

ثروت شده و بدهکار به یکباره تبدیل به ورشکسته می شود.
مولفه های مثبتی که یک بدهکار با برنامه در زندگی پیدا خواهد کرد به شرح زیر است:

۱- فشار ناشی از بدهی موجب می شود فرد بدهکار واکنشی که از خود نشان می دهد در قیاس با واکنش همرده های خود که بدهکار نیستند متفاوت باشد؛ بیشتر کار می کند، بیشتر فکر می کند، در فکر شکار لحظه هاست، فرصت های طلایی را از دست نمی دهد و همین یک مزیت بزرگ است.

۲- جلوتر بودن از زمان؛ بلکه افراد بدهکار به نوعی از زمان جلو هستند. چند بار برایتان اتفاق افتاده که به شوخی گفته ایدای بابا من روزی ۵۰۰ هزار تومان ضرر بی پولی ام را می دهم، اگر اینقدر پول داشتم، فلان کار را می کردم و روزی ۵۰۰ هزار تومان سودش را می گرفتم، خب حالا این گوی و این میدان. کافی است بدهکار شوید و از زمان جلو بیفتید، اگر ۱۰ میلیون تومان داشته باشید و بخواهید تجارت خود را تا پنج برابر گسترش دهید یا باید ۱۰ سال صبر کنید تا پولدار شوید یا بلافاصله قرض بگیرید و ۱۰ سال زمان را پس انداز کنید و به نوعی از زمان جلو بیفتید.

۳- بدهکار بودن تلاش معاش را سرعت می بخشد، انسان را از رخوت و سستی می رها کند، کارمندی را تصور کنید که یک حقوق معین در پایان ماه دریافت می کند، ساعت چهار به منزل می آید و می ماند تا فردا مجدداً سرکار برود، حال اگر همین کارمند به دلیل خرید قسطی بعضی اقلام مجبور به کار دوم شود، تلاش او برای یافتن منابع پرداخت قسط چند برابر می شود و اگر درست عمل نماید می تواند موفق شود.

۴- بدهکار شدن دقت انسان را در تخصیص صحیح وقت افزایش می دهد یعنی فرد بدهکار از اطاله وقت بیزار است، فعالیت های خود را سر و سامان می دهد.

همه مشخصه های خوب بالا در مورد بدهکارانی صدق می کند که با برنامه بدهکار می شوند و برای تولید ثروت برنامه مشخصی دارند، اگر برنامه مشخص برای تولید ثروت از منابع بدهی نداشته باشید شما مثل تانکر حامل بنزینی هستید که با سرعت ۱۰۰ کیلومتر حرکت می کند و طلبکار شما حکم اتومبیل تندرویی است که با سرعت ۲۰۰ کیلومتر شما را تعقیب می کند و خواه و ناخواه به شما برخورد کرده و انفجار (ورشکستگی) صورت می گیرد. حال اگر برنامه مشخصی برای تولید ثروت داشته باشید شما مثل یک گلوله آماده شلیک هستید که با اشاره ماشه و فشار باروت پشت سر (بدهی) با سرعت به سمت جلو حرکت می کنید. باید بپذیریم که در حقیقت ثروت افراد ثروتمند نتیجه استفاده حساب شده صحیح و با برنامه از پول طلبکارانی است که در زندگی برنامه ای نداشته اند. ■

*رییس هیات مدیره بیمه رازی



رمز ثروتمند شدن

دکتر محمدرضا گنجی *

اگر پرونده افراد ثروتمند را مرور کنید، خواهید دید همگی آنها بزرگترین بدهکاران به بانک ها و موسسات مالی هستند، مسلم است منابع شخصی اجازه فعالیت محدود را به انسان می دهد و برای فعالیت گسترده تر باید به منابع دیگران متوسل شد و قرض کردن و بدهکار شدن تنها راه دستیابی به این منابع است. بیشتر مردم دنیا به بانک ها بدهکارند و موفق ترین آنها غالباً بدهکارترین آنها هستند، البته ناموفق های بدهکار هم کم نیستند! تنها فرق این دو گروه با هم در این است که گروه اول امید به ایجاد درآمد و برنامه ریزی مشخصی برای تولید ثروت دارند.

آمریکا کشوری است که بیشترین بدهی را به بانک جهانی دارد و اگر دقت کنیم صنایع آن بالاترین سوددهی در جهان را دارا می باشند، به راستی وقتی مطمئن باشیم با حساب و کتاب- تدبیر و برنامه می توان در زمانی مشخص برنامه ای مدون را پیش برد و به سوددهی رسانید، چرا قرض نکنیم؟

تصور اینکه قرض کردن و بدهکار بودن بد است تصویری نادرست است. زیرا تنها یک خطر بدهکار را تهدید می کند آن هم عدم تدبیر فرد است!

اگر تدبیر نباشد، سرعت بدهکار شدن بیشتر از سرعت تولید